

دوفصلنامه‌ی پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب

دوره چهارم، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۱

مقایسه رویکرد فهد العسکر و پروین اعتصامی به مسائل اجتماعی

علی اکبر ملایی^۱* سارا معصوم پور عسکری^۲

چکیده

فهد العسکر «۱۹۱۷-۱۹۵۱ م» و پروین اعتصامی «۱۲۸۵-۱۳۲۰ ش» از جمله شاعرانی هستند که مضامین اجتماعی را به گونه‌اش شعری درآورده‌اند. از مضامین اجتماعی موجود در اشعار این دو شاعر نابرابری‌های اجتماعی، آزادی‌خواهی، توجه به جایگاه زنان می‌توان اشاره کرد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و براساس مکتب فرانسه باهدف بررسی تطبیقی مضامین اجتماعی در شعر فهد العسکر و پروین اعتصامی نگارش شده است. از وجوه اختلاف در موضوع نابرابری‌های اجتماعی این هست که فهد طبقه ضعیف را دعوت به عزت‌نفس می‌کند تا فقر از بین برود اما پروین طبقه ضعیف را برای برقراری عدالت به قیام و انقلاب فرامی‌خواند. در موضوع آزادی زنان نیز دو شاعر بر این باور هستند که زنان در جامعه مردم‌سالاری گرفتار شدند و در موضوع آزادی فهد را به برده‌ای تشبیه کرده که توان انجام کاری را ندارد و پروین آزادی چون چاهی دانسته است.

کلیدواژگان: فهد العسکر، پروین اعتصامی، مسائل اجتماعی.

^۱ دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده زبان‌های خارجه، دانشگاه ولی عصر (عج)، a.mollaie@vru.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد؛ ادبیات عرب، زبان‌های خارجه، دانشگاه ولی عصر رفسنجان، sara.mp9905@gmail.com

مقدمه

یکی از حوزه‌های مطالعات بین‌رشته‌ای، جامعه‌شناسی ادبیات است که کم‌وبیش مورد توجه محققان قرار گرفته است. این حوزه مطالعاتی ساختارهای معنایی شعر و رمان یا هر نوع از انواع ادبی را به وضعیت سیاسی و اجتماعی زمانه پیوند می‌دهد. «انسان در شعر معاصر محور می‌شود. شاعر امروز از افراط در عزلت-گزینی و یا توصیف محض طبیعت گریزان است. مهم‌ترین دستاورد آنان در این خصوص در آمیختن تجربه فردی با تجربه گروهی است. شعر امروز در بیدادگری و آگاه‌سازی مردم در تحولات اجتماعی و سیاسی سهمی بسزا دارد» (مدنی، ۱۳۸۶: ۱۷۳).

لذا می‌توان گفت که آثار ادبی یا انواع ادبی، هرگز در خلأ به وجود نیامده بلکه پرورده و تابع زمینه اجتماعی جامعه‌شناسی خاص هستند و بدین ترتیب اثر ادبی با زندگی نویسنده و خالق اثر پیوند می‌خورد. جامعه‌شناسی ادبیات به بررسی این پیوند می‌پردازد. البته نباید تصور کرد که رابطه ادبیات با جامعه بحث تازه‌ای است؛ چراکه این سخن معروف که «شاعر فرزند زمان خویش است» در هر زمانی صادق بوده است. هیچ‌کس از روزگار باستان، ارجاع اثر ادبی به عناصری از واقعیت یا آگاهی مشترک ملت یا گروه اجتماعی خاص را منکر نیست. البته بایستی دیرزمانی بگذرد تا این نکته بدیهی در قالب نظریه تقلید «محاکات» بیان شود. این نظریه را که از ارسطو گرفته شده است، جریان‌های فکری، آمیخته یا درنیامیخته با مارکسیسم را گسترش داده و منسجم ساختند «گلدمن، ۱۳۷۷: ۸۳».

از این سخن چنین برمی‌آید که جامعه پیش از اثر ادبی وجود دارد و نویسنده را مشروط می‌کند و نویسنده نیز به بازتاب و بیان جامعه می‌پردازد و جوای دگرگون ساختن آن است. جامعه در اثر ادبی وجود دارد و ما رد پا و توصیف آن را در اثر بازمی‌یابیم. تمایل نویسندگان و شعرا نیز در این زمینه بی‌تأثیر نیست پس تحول شعر در هر زبان، با توجه به ضرورت تحول ادبی و نیازهای فضای جدید اجتماعی تحقق می‌یابد. در واقع شعر هر دوره‌ای با زمینه‌های اجتماعی خود پیوند ناگسستنی دارد و تحول شعر و زبان ادبی، فرآیند اجتماعی است. بنا به نظر باختین «هر اثر ادبی ذاتاً و به‌طور ناخودآگاه اجتماعی است» (خسروی، ۱۳۸۷: ۲۲) و باید توجه داشت که یک شاعر هرگز نمی‌تواند عوامل برون‌متنی و رویدادهای سیاسی و اجتماعی مؤثر بر شعر و ادبیات را نایب بگیرد. فهد العسکر (۱۹۵۱-۱۹۱۷ م) شاعر معاصر کویتی و پروین اعتصامی (۱۲۸۵-۱۳۲۰ ش) از جمله شاعرانی هستند که مضامین اجتماعی را به گونه‌ای در شعر آوردند. از مضامین اجتماعی در اشعار این دو شاعر آزادی‌خواهی، توجه به جایگاه زنان، توجه به نابرابری‌های اجتماعی است.

پیشینه پژوهش

آثار و پژوهش‌های اندکی در مورد شاعر کویتی فهد العسکر وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به: کتاب فهد العسکر حیات و شعره تألیف عبدالله زکریا الأنصاری (۱۹۹۷ م) این کتاب در واقع دیوان شاعر است که توسط دوست او گردآوری و منتشر شده است اشاره کرد؛ کتاب معصیه فهد العسکر الوجودیه فی الوعی الکویتیه نوشته عقیل یوسف عیدان (۲۰۱۳) وی در این کتاب به اصالت و باور «وجود» در اشعار فهد می‌پردازد؛ و اشاره کوتاهی به زندگی شاعر و کویت و مسائل مربوط به آن دارد؛ حسین مهدی (۱۳۹۸) مقاله «واکاوی ماهیت و مفهوم درد و رنج در اشعار فهد العسکر و طاهر صفار زاده» پرداخته است؛ اما در مورد پروین اعتصامی پژوهش بیشتری صورت گرفته است، رمضان رضایی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «مقایسه مضامین اجتماعی در اشعار پروین اعتصامی و احمد صافی النجفی»

پرداخته است و حامد صدقی «۱۳۹۰» در مقاله‌ای تحت عنوان «زن از دیدگاه پروین اعتصامی و باحنه‌البادیه» به این موضوع پرداخته است.

اما در زمینه تطبیق مضامین اجتماعی در اشعار فهد العسکر و پروین اعتصامی تحقیق مستقلی انجام نگرفته است و این مقاله بر آنست تا با رویکرد تطبیقی به بررسی مضامین اجتماعی در اشعار این دو شاعر معاصر پردازد؛ و در پی پاسخ‌گویی به این سؤالات است که: بسامد مضامین اجتماعی در آثار فهد العسکر و پروین اعتصامی چگونه است؟ و شباهت‌ها و تفاوت‌های دیدگاه‌های این دو شاعر در به‌کارگیری مضامین اجتماعی چیست؟

نگاهی کوتاه به زندگی دو شاعر

نگاهی کوتاه به زندگی فهد العسکر

فهد بن صالح بن عبدالله بن علی العسکر را می‌توان از شاعران معاصر کویت قلمداد کرد. در مورد تاریخ ولادتش اختلاف نظر است و آنچه اکثریت بر آن اعتقاد دارند این است او در سال «۱۹۱۷ م» متولد شده است «العجیری، ۲۰۰۶: ۱۰۴». او در خانواده‌ای پاییند به مسائل دینی و مذهبی و متعهد به دنیا آمد و پرورش یافت. فهد قرآن را قبل از هر چیز آموخت؛ سپس «در مدارس المبارکه و الأحمدیه نزد اساتیدی همچون محمود شوقی عبدالله ایوبی و شیخ عبدالله نوری و سید عمر عاصم و دیگران کسب علم کرد» «الأنصاری، ۱۹۹۷: ۵۴؛ عیدان، ۲۰۱۳: ۲۰۹». محمود شوقی اولین معلمش در شعر بود که تأثیر بسیاری بر کشف نبوغ شعری او داشت و او را به حفظ اشعار و نوشتن به نظم و نثر و قدرت گرفتن در شعر تشویق می‌کرد. فهد به سبب علاقه‌مندی‌اش به زبان و ادبیات عربی، کتاب‌ها و مجلات و دیوان‌های فراوانی را مطالعه می‌کرد؛ سپس او پس از مدتی تحصیل به بصره مسافرت کرد «بصره افق فکری جدیدی در برابر شاعر باز کرد و در آنجا با منابع فکری جدیدی مانند مطبوعات و تألیفات جدید آشنا شد» «البصیر». شعر از نیاز روح و تعبیر صادقانه از احساسات درونی شاعر است «الأنصاری، ۱۹۹۷: ۶۳». از ویژگی‌های بارز اشعار او گلایه و شکایت از زندگی و جامعه، نگرانی، حزن و اندوه است. اشعارش به دست بعضی از نزدیکانش در یک آتش‌سوزی عمدی به خاکستر تبدیل شد و فقط اشعار اندکی از او باقی ماند (همان: ۱۰۵). او را می‌توان به‌عنوان شاعری سیاسی-اجتماعی معرفی نمود و این موضوع از مضامین اشعار وی و تفکرات روشنفکرانه و نوگرایانه او هویدا است. این تغییرات و دگرگونی‌هایی که در فکر و زندگی فهد شکل گرفت انتقادات مردم را در پی داشت و او را سرزنش می‌کردند و وی را کافر و ملحد می‌خواندند. این نفرت مردم از فهد تا جایی ادامه پیدا کرد که حتی خانواده‌اش نیز او را در طرد کردند؛ پس وی مجبور شد گوشه‌گیری و عزلت را برگزیند. آنچه از اشعار وی تاکنون به دست ما رسیده است همان اشعاری است که دوست صمیمی او عبدالله زکریا الأنصاری در کتاب فهد العسکر حیات و شعره جمع‌آوری کرده است. زندگی فهد سرشار از درد و رنج و تنهایی بوده و پیوسته این موارد در اشعارش تجلی یافته است و همین امر عاملی برای طرد او از جامعه‌اش شد. فهد در روزهای اواخر عمرش در اتاق کوچک تاریک نزدیک بازار واجف زندگی می‌کرد و به سبب ابتلا به سل ربوی در سال ۱۹۵۱ م در گذشت «الأنصاری، ۱۹۹۷: ۸۲؛ عیدان، ۲۰۱۳: ۲۸۴».

نگاهی کوتاه زندگی پروین اعتصامی

پروین اعتصامی دختر رخشنده اعتصامی معروف به پروین اعتصامی (زاده ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ در تبریز - درگذشته ۱۵ فروردین ۱۳۲۰ در تهران) شاعر زن ایرانی است که از او با عنوان «مشهورترین شاعر زن ایران» یاد می‌شود. پروین از

کودکی فارسی، انگلیسی و عربی را نزد پدرش آموخت و از همان کودکی سرودن شعر را آغاز کرد. او در سال ۱۲۹۱ هنگامی که ۶ سال بیشتر نداشت به همراه خانواده‌اش از تبریز به تهران مهاجرت کرد. به همین خاطر پروین از کودکی با مشروطه‌خواهان و چهره‌های فرهنگی آشنا شد و ادبیات را در کنار پدر و از استادانی چون دهخدا و ملک‌الشعراى بهار آموخت.

در دوران کودکی، زبان‌های فارسی و عربی و انگلیسی را زیر نظر پدرش در منزل آموخت و به مدرسه آمریکایی ایران کلیسا رفت و در سال ۱۳۰۳ تحصیلاتش را در آنجا به اتمام رسانید. او در تمام سال‌های تحصیلش از دانش‌آموزان ممتاز بود و حتی مدتی در همان مدرسه به تدریس زبان و ادبیات انگلیسی پرداخت. او هم‌زمان با تحصیل، شعر نیز می‌سرود. پدرش در کودکی اشعاری از حافظ و سعدی را به او می‌داد تا با تغییر قافیه، شعر دیگری بسراید؛ وزن آن را تغییر دهد تا در سرودن شعر تجربه بیندوزد. همچنین پدرش گاهی قطعه‌هایی زیبا و لطیف از کتاب‌های خارجی «انگلیسی، فرانسوی، ترکی و عربی» جمع می‌کرد و پس از ترجمه آن‌ها به فارسی، پروین را تشویق می‌کرد تا آن را به صورت شعر درآورد. به طور مثال، یوسف اعتصامی شعر «قطرات سه گانه» از تریللو شاعر ایتالیایی را ترجمه و در مجله بهار چاپ کرد. سپس پروین با الهام از این سروده، شعر «گوهر و اشک» را سرود.

پدر وی یوسف اعتصامی، از شاعران و مترجمان معاصر ایرانی بود که در شکل‌گیری زندگی هنری پروین و گرایش وی به سرودن شعر نقش مهمی داشت. پروین اعتصامی از پایه‌گذاران سبک شعر مناظره‌ای است و در زمان حیاتش مجموعه‌ای از شعرهایش را در قالب‌هایی مانند قالب قطعه، مثنوی و قصیده به عنوان دیوان اشعار به چاپ رساند. او مدتی نیز در کتابخانه‌ی دانشسرای عالی، به شغل کتابداری مشغول بود و بعد از آن قبل از دومین نوبت چاپ دیوان اشعارش، بر اثر بیماری حصبه درگذشت و در حرم فاطمه معصومه به خاک سپرده شد.

پروین اعتصامی در هجده سالگی فارغ‌التحصیل شد. او در تمام دوران مدرسه‌اش دانش‌آموزی ممتاز بود. البته قبل از ورود به مدرسه فارسی، انگلیسی و عربی را نزد پدر آموخته بود. او حتی می‌توانست داستان‌های مختلفی را به زبان انگلیسی بخواند و به دانستن علاقه داشت و سعی می‌کرد در حد توان خود از همه چیز آگاهی پیدا کند؛ به همین دلیل در مدرسه قبلی‌اش ادبیات فارسی و انگلیسی تدریس می‌کرد.

در خرداد ۱۳۰۳، جشن فارغ‌التحصیلی پروین در مدرسه برپا شد. او در آن جشن درباره بی‌سوادی و بی‌خبری زنان ایران حرف زد. اعتصامی در قسمت‌هایی از اعلامیه «زن و تاریخ» گفته است:

داروی بیماری مژمن شرق، منحصر به تعلیم و تربیت است. تعلیم و تربیت حقیقی که شامل زن و مرد باشد و تمام طبقات را از خوان گسترده معروف مستقیماً نماید. پیداست برای مرمت خرابی‌های گذشته، اصلاح معایب حالیه و تمهید سعادت آینده، چه مشکلاتی در پیش است. ایرانی باید ضعف و ملالت را از خود دور کرده، تند و چالاک از این پرتگاه‌ها عبور کند.

پروین در نوزده تیرماه ۱۳۱۳ با پسرعموی پدرش «فضل‌الله اعتصامی» ازدواج کرد و چهار ماه پس از عقد و ازدواج به همراه همسرش برای زندگی به کرمانشاه رفت. همسر پروین از افسران شهربانی و هنگام ازدواج با او رئیس شهربانی در کرمانشاه بود. پروین پس از دو ماه زندگی با همسرش به دلیل اختلافات روحی و اخلاقی با وی، با گذشتن از مهریه‌اش

در مردادماه ۱۳۱۴ از همسرش جدا شد. اخلاق نظامی و خشک همسر پروین با روحیه شاعرانه و لطیف پروین کاملاً مغایر بود و این دلیل جدایی پروین از شوهرش بود.

دیوان پروین اعتصامی، شامل ۲۳۸ قطعه شعر است که از آن میان ۶۵ قطعه به صورت مناظره است. اشعار پروین اعتصامی بیشتر در قالب قطعات ادبی است که مضامین اجتماعی را با دیده‌ی انتقادی به تصویر کشیده است. در میان اشعار پروین، تعداد زیادی شعر به صورت مناظره میان اشیاء، حیوانات و گیاهان وجود دارد. درون‌مایه اشعار او بیشتر غنیمت داشتن وقت و فرصت‌ها، نصیحت‌های اخلاقی، انتقاد از ظلم و ستم به مظلومان و ضعیفان و ناپایداری دنیاست. در شعر پروین استفاده‌هایی از سبک شعرای بزرگ پیشین نیز شده است. ملک‌الشعراى بهار در مقدمه‌ای که بر دیوان وی می‌نویسد، می‌گوید:

این دیوان ترکیبی است از دو سبک و شیوه‌ی لفظی و معنوی آمیخته با سبکی مستقل و آن دو یکی شیوه خراسان است خاصه استاد ناصر خسرو قبادیانی و دیگر شیوه شعرای عراق و فارس است به‌ویژه شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی علیه‌الرحمه و از حیث معانی نیز بین افکار و خیالات حکما و عرفا است و این جمله با سبک و اسلوب مستقلی که خاص عصر امروزی و بیشتر پیرو تجسم معانی و حقیقت‌جویی است ترکیب یافته و شیوه‌ای بدیع و فاضلانه به وجود آورده است.

شرایط اجتماعی و سیاسی ایران و کویت در دوره دو شاعر

دو کشور ایران و کویت به دلیل شرایط حساس منطقه‌ای و منابع فراوان زیرزمینی همواره مورد توجه دولت‌های استعماری بوده‌اند. در ایران به سبب بی‌لیاقتی پادشاهان قاجار، موقعیتی برای ورود بیگانگان به کشورهای و تجاوز به این سرزمین فراهم شد. این تعدی به کشورها تنها به ایران ختم نمی‌شود؛ بلکه سرزمین‌های عربی نیز مورد تجاوز بیگانگان قرار گرفت و کویت از جمله این کشورهایی بود که گرفتار استعمار و استبداد کشورهای خارجی شد و طعم رنج را چشید. در ایران نیز شرایط اجتماعی و سیاسی دوران مشروطیت سرآغاز شکل‌گیری شعر جدید ادبیات فارسی شد. «انقلاب مشروطیت ایران به دلایل مختلفی از قبیل افتادن سکان هدایت آن‌ها به دست مرتجعان و کهنه‌درباری‌ها، اختلاف میان مجاهدین، انحلال مجلس ملی، دخالت نیروهای بیگانه، وقوع جنگ جهانی اول و تقسیم کشور میان متفقین، عدم آگاهی اقشار مختلف مردم و نداشتن ایدئولوژی نظام‌یافته، بی‌آنکه وعده‌های خود را برآورده سازد، تاروپودش برای همیشه از هم گسسته می‌شود و دوباره نوعی آشفتگی و هرج‌ومرج بر کشور حاکم می‌گردد. همین امر در ایجاد جریان‌ات تازه در شعر فارسی و شکل‌گیری شعر رمانتیک مؤثر بوده است» (خاکپور و اکرمی، ۱۳۸۹: ۲۳۲).

کویت به دلیل شرایط ویژه منطقه‌ای و منابع زیرزمینی فراوان مورد توجه دولت‌های استعماری بوده است. سه قبیله مهم آل صباح و آل خلیفه و آل جلا همه از ساکنان اصلی کشور کویت بودند. خاندان صباح در کویت حکومت می‌کردند. «در زمان شیخ مبارک که پنجمین فرزند صباح دوم بود حکومت شکل تازه‌ای به خود گرفت؛ زیرا او سلطنت را در تیره دو فرزند خود موروثی کرد. دو فرزند او جابر الثانی بن مبارک و سالم بن مبارک بودند؛ که کویت در زمان فرزند اول «جابر الثانی» به شکوفایی رسید و سرانجام در سال ۱۹۶۱ کشور کویت استقلال یافت» (فیلی رودباری، ۱۳۷۵: ۱۱۵). اختناق سیاسی حاکم بر جامعه کویت شرایط تلخ و طاقت‌فرسایی را برای مردم رقم می‌زد شاعران از جمله کسانی بودند که وقتی این ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌ها و آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی را می‌دیدند لب به سخن می‌گشودند و اعتراض و انتقاد

می کردند در کویت شرایط خفقان آمیز جامعه بر اشعار شاعران تأثیر گذاشته است. اوضاع آشفته کویت و ایران این دو شاعر را به سمت وسوی ادبیات مقاومت سوق داده است و آن‌ها را به شاعرانی مبارز و مدافع سرزمینشان تبدیل کرد. شرایط اجتماعی و سیاسی موجب شده است که در سروده‌های آن‌ها مشابهاًت و همانند زیادی دیده شود از جمله گرایش به آزادی، مبارزه با ظلم و دفاع از زنان سرزمین خود، از عوامل اصلی این مسائل شرایط نامطلوب سرزمینشان است.

آزادی خواهی

«آزادی به‌طور کلی به این معناست که مردم علاوه بر اینکه از نظر فردی آزادی‌هایی دارند از نظر اجتماعی نیز بتوانند سرنوشت سیاسی و اقتصادی خود و سرزمین خود را معین کنند» (یا حقی، ۱۳۷۸: ۱۶)»

فهد العسکر از شاعرانی است که آزادی و آزادی خواهی در اشعارش وجهه درخشانی دارد؛ او در ابیاتی چنین می‌سراید:

۱. یابنی الفاتحینَ حَتَّامَ نَبْقِي فِي رُكُودٍ، أَيْنَ النُّفُوسُ الأَيِّه
۲. فَمِنَ العَبْنِ أَنْ نَعِيشَ عَيْدًا أَيْنَ ذَاكَ الأَبَاءِ؟ أَيْنَ الحَمِيَه
۳. قُمْ مَعِي نَبْكَ مَجْدَنَا، وَنَسْحُ ال دَمْعَ حُزْنًا وَنَدْبُ القَوْمِيَه
۴. قُمْ مَعِي نَسْأَلِ اللُّطُولِ عَسَاها دَمْعَ حُزْنًا وَنَدْبُ القَوْمِيَه

۱. ای فرزندان فاتحان تا کی در رکود و سکوت بمانیم، آن جان‌های غیرتمند و عزتمند کجایند
۲. زیان‌بار است که همچون برده زندگی کنیم آن شرف و عزت کجاست؟ آن شوق جنگاوری و حماسه کجاست؟

۳. برخیز باهم بر افتخاراتمان گریه کنیم و اشک‌هایمان را غمگینانه بریزیم و بر نژادمان زاری کنیم.
۴. با من برخیز تا از آثار و بقایا بر جای مانده پیرسیم امیدواریم با پاسخ آن عطش روحی‌مان سیراب می‌شود و التیام می‌یابد (الأنصاری، ۱۹۹۷: ۱۱۴-۱۱۶)».

شاعر در این ابیات مردم را به قیام علیه ظلم دعوت می‌کند، همچنین او در این اشعار از نسل جدید سرزمینش گلایه می‌کند و از مردم توقع دارد برای آینده تلاش کنند او می‌گوید اجداد شما انسان‌های بزرگی بودند برخیز و در برابر ظلم قیام کنید، برای خروج از سلطه حاکمان و بیگانگان کوشش کنید، آگاه و بیدار باشید، ننگ و عار است که هم‌چو اسیران زندگی کنیم و عزت خود را نادیده بگیریم. ظلم و استبداد قفل خاموشی دهانمان بندد و ما را به سکوت وادار کند، به پا خیزید و بر اجداد شریف گذشته و افتخاراتمان گریه‌ها سر دهیم و اشک ریزیم. امیدواریم هنگامی که از آثار باقی مانده می‌پرسیم آن‌ها ما را پاسخ گو باشند تا شاید روحمان سیراب شود و قلبمان آرام گیرد و دردهایمان بهبود یابد و مداوا شوند. نگرانی‌های فکری و مسائل دردآور روحی فهد تنها به سبب مصیبت‌ها و رنج‌های شخصی خویش، بلکه او درد و رنج و نابسامانی‌ها، ناملايمات و بلايای جامعه خود و حتی جوامع دیگر را در سینه دارد. در این ابیات تکرار اسم «این» و فعل امر «قم» از معنای اصلی خود خارج شده است؛ و برای تحریک مردم جهت قیام علیه ظلم بکار رفته است.

مضامین مربوط به آزادی در شعر و ادب مشروطه تعاریفی متناسب با جامعه آن روز دارد، به‌طور که مطالعه‌ی آثار شاعران، دریافت‌های کاملاً متفاوتی از یک مضمون واحد به دست می‌دهد. در شعر پروین نیز بیشتر آزادی به معنای آزادی ستم دیدگان از چنگ جور حکومت و ستم طبقه‌ی مرفه به کار می‌رود. در شعر پروین چندان سخن از آزادی

اجتماعی نیست، اما در چند قطعه، از انقلاب می‌گوید و مردم را به اعتراض و ایستادگی می‌خواند و از آنان می‌خواهد برای به دست آوردن آزادی تلاش کنند:

ز قید بندگی این بستگان آزاد شوند آزاد
اگر به شوق رهایی زنند بال و پری

«اعتصامی، ۱۳۷۱: ۲۲۳»

پروین چون به زندان راه نیافته تصویر مناسبی را نمی‌تواند ارائه دهد، او فقط در مبارزه با استبداد از ابزار نبود آزادی آن‌هم در معنای عام و طبیعی آن صحبت می‌کند و حاضر نیست آزادی را با چیزی عوض کند. شاعر در بیان تقابل بود نبود در قلعه ((سرنوشت)) از زبان جغد که در ویرانه خویش با آزادی زندگی می‌کند، به طوطی که در قفسی زیبا و گران‌بها جلیس بزم بزرگان و شاهان است، می‌گوید:

چه سود صحبت شاهان، چونیست آزادی
به رنج گوشه‌نشینی و فقر، تن دادن
قفس نه جز قفس است، از چه سیم وزر باشد
در آشیان ویران خویش خرسندیم
چرا دهیم گرانمایه وقت را ارزان
به از پریدن بیگانه و داشتن غم جان
که صحن تنگ همان است و بام تنگ همان
که خوشدلی است در آباد دیدن زندان

«اعتصامی ۱۳۷۱: ۱۵۲»

درک اوضاع اجتماعی و سیاسی این روزگار کمک می‌کند تا اندیشه‌های شعرا را به‌ویژه درباره مسائل اجتماعی دقیق‌تر تحلیل کنیم؛ زیرا پیوسته تحولات ادبی از تحولات اجتماعی و سیاسی متأثر بوده است. «مثلاً ظهور رضاه شاه در ایران حاکی از شروع دورانی تازه بود و بی‌تردید اهداف رضاشاه با اهداف و اصول مشروطه همخوانی نداشت. هدف انقلاب مشروطه ایران و رجال مشروطه که به تدوین قانون و متمم آن پرداختند، چیزی جز محدود کردن قدرت سلطنت و تأسیس مجلس شورای ملی برای تثبیت حکومت مردم نبود، اما عمر دموکراسی پارلمانی ایرانی، با تشکیل دوره ششم مجلس به سرآمد» (آوری، ۱۳۷۱: ۱۸)

در شیوه اداره‌ی کشور، رضاخان استبداد و سرکوب آزادی‌ها را سرلوحه کار خویش قرار داده بود. نشانه‌ها گویایی از این اوضاع در ادبیات این دوره قابل ملاحظه است. خفقان شدید اجازه نمی‌داد تا شعرا به نظم اشعار انتقادی بپردازند. با وجود این شاعران این دوره یکسره خاموش نبودند. آن‌ها به‌رغم تمامی خطرات مصادیقی از آزادی‌خواهی را در شعرشان مستتر می‌ساختند. پروین نیز از جمله کسانی بود که در اشعاری با درون‌مایه آزادی متأثر از ادبیات سنتی دارد و ذهن او بیشتر درگیر با مفهوم کلامی آزادی یعنی اختیار در برابر جبر است «نیکوبخت، ۱۳۸۶: ۱۲۲۰».

شاعر همچنین در بیان مفهوم آزادی از زبان دو پرنده که یکی بلبل و دیگری طوطی است، سخن می‌گوید. به گونه‌ای که در آن طوطی تلاش می‌کند تا به خاطر آرامش بلبل، زندگی آزاد و در اسارت بودن را به قضا و قدر نسبت می‌دهد. پروین برای بیان نبود آزادی از واژگان «کنج قفس، قفس، تلخ، گرفتاری و صبر» سخن به میان می‌آورد.

بلبل گفت به کنج قفسی
آخر این فتنه سیه کاری کیست؟
قسمم گر زر و سیم است چه فرق
طوطی ای از قفس دیگر گفت
بس که تلخ است گرفتاری و صبر
همه فرمان قضا باید برد
که چنین روز مرا باور نیست
گرچه کار فلک اخضر نیست
که مرا دیده به سیم وزر نیست
چه توان کرد ره دیگر نیست
دل ما را هوس شکر نیست
نیست یک ذره که فرمانبر نیست

«اعتصامی، ۱۳۷۱: ۱۳۴»

خلاصه، فهد العسکر انسانی را که آزادی ندارد را به برده‌ای تشبیه کرده است که امکان انجام کاری را ندارد و آزادی را به مصیبتی تشبیه کرده است که بهبود نمی‌یابد. پروین نیز نبود آزادی را از زبان پرنده‌ای که در قفس زندانی است بیان کرده است و جامعه‌ی آن روز را همچون قفسی برای انسان تصویر کرده است.

آزادی زنان در شعر فهد العسکر

تضعیف حقوق زنان و تحقیر آنان از مهم‌ترین مؤلفه‌های رمانتیسیم جامعه گراست. عدم رعایت حقوق زنان و ظلم در حق آنان یکی از مسائل بسیار مهم جوامع مختلف بوده است. در جامعه آن روز کویت و ایران عدالت و مساوات وجود نداشت؛ به همین دلیل زنان به‌عنوان اقشار محروم جامعه قلمداد می‌شدند و از کم‌ترین حقوق و امکانات بی‌بهره بودند. مکتب رمانتیک نیز به‌قصد همدلی و همدردی با زنان، آنان را به مبارزه برای احقاق حقوق خود فرامی‌خواند. جامعه بسته آن روز کویت نگاهی تحقیرآمیز به زنان داشت، جامعه خفقان‌زده‌ای که هیچ‌گونه حق و ارزشی برای زنان قائل نیست؛ به‌طوری که دختران در انتخاب همسر خویش نیز نقشی نداشتند و گاهی چنین می‌شد که دختران جوان را به ازدواج با پیرمردی درمی‌آوردند و درنهایت آنان زن را مایه سرگستگی و حقارت اجتماع می‌دانند. شاعران زیادی در این حیطه طبع آزمایی کرده‌اند از جمله‌ی آن‌ها «فهد العسکر» که درباره بی‌توجهی به ارزش و مقام زن و بی‌عدالتی در حق آن‌ها در قصیده «نوحی» این چنین به سرایش درآورده است.

۱. یا للشراسة والرؤنة و الحماقة و الجهالة

۲. یا للدناءة و السفاهة و السفالة و الندالة

۳. با عوك بالثمن الزهید فاین یا لیلی العدالة

۱. واعجبا ازین درنده‌خویی و ناجوانمردی؛ بی‌خیالی و نادانی و کم‌خردی

۲. شگفتا ازین پیچیدگی و نادانی؛ پستی و خسارت و حقارت

۳. تو را به قیمت ناچیز و بی‌ارزش فروختند پس ای لیلی من عدالت کجاست؟

شاعر عاشق دختری به نام لیلیا بود که به علت وضعیت نامطلوب مالی‌اش، او را «لیلی» مجبور به ازدواج با مرد سالخورده‌ای کردند، به همین خاطر فهد دل‌شکسته و اندوهگین شد و ازین بی‌مروتی و ناجوانمردی‌ای که در حقش انجام شده می‌نالید، شاعر این که دختر جوان را به ازدواج پیرمردی درآوردند، این اقدام را ناجوانمردی، بی‌خردی، ناعادلانه می‌داند و این مایه سرشکستگی و هرزگی و خواری جامعه خویش می‌داند. شاعر این درد درونی‌اش را با کلماتی مترادف «شراسه، حماقه، سفاهه، جهاله، دناه، نداله» اوج نادانی، حماقت، پستی و رذالت را بیان می‌کند. در

عبارت «با عوڪ بالثمن الزهید» نشانگر نهایت فقر است که دختران خود را به قیمتی ناچیز می‌فروشند و برایشان ارزشی قائل نیستند و در این کار عدالت و برابری اصلاً رعایت نشده است. شاعر در اشعاری دیگر نیز چنین ازدواج‌هایی را ظالمانه و به‌دوراز عدالت معرفی می‌کند:

۱. أَمِنَ الْعَدْلَ أَنْ تُزْفَ تُرِيًّا
لعجوز، فأينَ أينَ فَنَاهَا؟!

۲. فَمِنَ الظُّلْمِ أَنْ تُشَاطِرَهُ الْعِي
شَ وَ قَدْ كَانَ مَصْدَرًا لَشَقَاهَا

۳. وَمِنَ الظُّلْمِ أَنْ تُسَاقَ إِلَى مَنْ
صَوْتُهُ لَا تُطِيقُهُ أُذُنَاهَا

۱. آیا از عدالت است که ثریا با پیرمردی پس کجاست کجاست جوانی‌اش

۲. پس ظالم است که زندگی را با او تقسیم کند درحالی که پیرمرد منبع برای بدبختی‌اش است

۳. و ظالمانه است که روانه کسی شود که گوش‌هایش تحمل صدای او را ندارد «همان ۲۲۷».

شاعر در این ابیات از ازدواج نکبت‌بار معشوقه‌اش با پیرمرد صحبت می‌کند. از بی‌عدالتی و ستمی که بر دختری جوان روانه شده است و او را به‌اجبار به ازدواج مردی کهنسال درآورده‌اند، فعل (تُسَاق) مجهول است و نشان می‌دهد که این ازدواج از روی اختیار نبوده است، بلکه ازدواجی اجبارگونه بوده است. شاعر جنین ازدواجی را ظالمانه و احمقانه توصیف می‌کند.

پروین اعتصامی در اشعار خود بارها به محدودیت‌ها و سختی‌هایی که زن در جامعه ایرانی پشت سر گذاشته اشاره کرده است و نسبت به بی‌انصافی‌ها و نا‌عدالتی‌هایی که نسبت به زنان در جامعه می‌شد، بانگ اعتراض سر داده است. او از احساس تنفر و بیزاری نسبت به جامعه مردسالار خالی نبود و با مشاهده‌ی تضعیف مقام زنان و ظلم و بی‌عدالتی‌هایی که نسبت به آن‌ها می‌شد، احساس حقارت به وجود آمده و در وی، گسترش یافته است و تبدیل به عقده حقارت شد تا جایی که این عقده حقارت را در قالب انتقاد و اعتراض نسبت به جامعه و نفرت و بیزاری از این وضع بیان داشت: «سخنان پروین را باید عقده‌های مترکم اما خاموش صدها سال محرومیت زن شرقی-ایرانی را به حساب آورد» (روزبه، ۱۳۸۱: ۱۳۶)

زن در ایران بیش از این گویی که ایرانی نبود پیشه‌اش جز تیره‌روزی و پریشانی نبود

«اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۲۹»

اینکه پروین از عقده حقارت ناشی از نادیده گرفته شدن در جامعه و بی‌هویتی خود و هم نوعانش بگوید، دلیل کاملی بر این مدعاست که وی نماینده زنانی است که دچار عقده حقارت در جامعه‌ی مردسالاری حاکم شده بود. زندگی این قشر وسیع از جامعه در پریشانی و انزوای خانه و خانه‌داری، بچه‌داری و... نشان از دنیای کوچک و تنگ و تار زانی دارد که مجبور هستند بر دل‌بستگی‌هایشان به رهایی و آزادی خط بکشند و عشق و احساسات خود را نادیده بگیرند. داستان زندگی زنانی است که در یک جامعه سنتی اسیر هستند. گویی زنان زندانی مردان بودند و زندگی و مرگ برایشان یکسان بود، زیرا اشخاصی بی‌هویت بودند. او در شعر «زن در ایران» به درماندگی زن ایرانی در چنبره‌ی فرهنگ مردسالار اشاره می‌کند. او با عقده‌ی حقارت خود سرنوشت زنانی را فریاد می‌زند که قربانی ظلم و ستم جامعه‌ی مردسالار و قوانین نابرابر اجتماعی شده‌اند و در خانواده و اجتماع، جایگاه مقبولی ندارند:

در عدالت‌خانه‌ی انصاف زن شاهد نداشت در دبستان فضیلت زن دبستانی نبود

دادخواهی زن می‌ماند عمری بی‌جواب آشکارا بود این بیداد، پنهانی نبود

«اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۲۹»

زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می گذشت زن چه بود آن روزها گر زان که زندانی نبود
کس چون زان اندر سیاهی قرن‌ها منزل نکرد کس چو زن در معبد سالوس قربانی نبود

«اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۲۹»

بی‌انصافی و سختی که در حق زنان جامعه‌اش می‌شد، به تصویر می‌کشد و معتقد است دلیل این محرومیت و فقر فرهنگی اجتماعی که نصیب زنان شده است، به خاطر بی‌ارزش بودن وجود زنان نیست، بلکه جامعه‌ی مردسالار و زن‌ستیز چنین جلوه می‌داده است: نوردانش را ز جان تن نهان می‌داشتند این ندانستن ز پستی و گران‌جانی نبود «۱۳۷۰: ۱۳۰»
او از اینکه زنانی مانند خودش در جامعه دچار بی‌عدالتی می‌شوند، احساس حقارت می‌کرد و آن را بر زبان می‌آورد. گویی روش و رویه‌ی حاکم بر جامعه، نادیده گرفتن حقوق زنان بود و کسی از میان آن‌ها علیه این بی‌عدالتی قیام نمی‌کرد. شاعر، عقده‌ی حقارت خود را ناشی از حضور عرف و فرهنگ نامناسب جامعه می‌داند که زنان در آن چاره‌ای جزء سوختن و ساختن ندارد:

از برای زن به میدان فراخ زندگی سرنوشت و قسمتی جز تنگ میدانی نبود

«اعتصامی، ۱۳۷۰: ۱۲۹»

عدم رضایت پروین به‌عنوان زن از موقعیت کنونی «فضای مردسالار و زن‌ستیز جامعه» و تلاش برای رسیدن به منزلت فراتر، وجود احساس حقارت و تلاش برای جبران را در وی تأیید می‌کند. او از این که هم‌جنسان او در مرتبه فروتر از مردان هستند، رنج می‌برد و بودن در این موقعیت انحطاط را نمی‌پسندد. لذا می‌توان دریافت که «آنچه رخ می‌دهد، بزرگ‌ترین عامل ایجاد حس حقارت است که عملکرد غیرمستقیم یا مستقیم آن می‌تواند دربردارنده یکی از ارمغان‌های شخصیتی باشد.» «قبادی و هوشنگی، ۱۳۸۸: ۹۸» و جایگاه نازل زن بودن در جامعه به تصویر کشیده شده در سروده‌های شاعر، احساس حقارت را برای شخصیت او به‌عنوان یک زن ایرانی و نماینده زنان دیگر به ارمغان آورده است. از آنجا که پروین خود یک زن است و احساساتش با مشکلات زنان و دختران جامعه‌اش درآمیخته، جزء موفق‌ترین شاعرانی محسوب می‌شود که در شرح احوال زنان و دختران جامعه خویش موفق بوده است. او به‌عنوان یک شاعر زن، به ابعاد تغزلی زن اشاره نکرده و دلیل آن نیز روح مستغنی وی و زندگی پارسامنش وی و همچنین، ناکامی و رنجشی است که در زندگی شخصی وی «ازدواج ناموفق خود» رخ داده است «ممتحن و محمدی». شاعر در بیت زیر، خطاب به خودش - نماینده‌ی تمام دختران و زنان جامعه‌اش، می‌گوید که بعد از وارد شدن به خانه‌ی شوهر، گویا زن وارد قفسی شده و محبوس و گرفتار است، زیرا با او به‌درستی رفتار نمی‌کنند:

ای گل تو ز جمعیت گلزار چه دیدی جز بدسری و سرزنش خار چه دیدی
ای لعل بد افروز تو با این همه پرتو جز مشتری سفله به بازار چه دیدی
رفتی به چمن لیک قفس گشت نصیبت غیر از قفس ای مرغ گرفتار چه دیدی

«اعتصامی، ۱۳۷۰: ۲۴»

در شعرهای فهد العسکر و پروین در مورد جایگاه زنان؛ به این نکته اشاره شده است که زنان، دچار جامعه مردسالار شدند که هیچ اراده و اختیاری از خودشان ندارند، به‌گونه‌ای که برای ازدواجشان خود زنان هیچ نقشی ندارند و بایستی تابع و مطیع امر دیگران باشند.

توجه به ناهنجاری‌های اجتماعی (فساد، فاصله طبقاتی، نابرابری)

ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله فساد و فاصله طبقاتی و نابرابری از موضوعات مورد توجه در رمانتیسیم جامعه‌گرا است؛ به همین خاطر یکی از مایه‌های اصلی و مشترک شعر معاصر عرب و ایران، توجه به مظاهر فساد و پلیدی‌های موجود در جامعه با اسلوبی نوین و منحصر به فرد است. این درون‌مایه حاصل دردِ درونی این شاعران است، توجه به تبعیض و فاصله طبقاتی و بیان نابرابری‌های اجتماعی است.

در همین راستا (فهد) فاصله طبقاتی که جامعه را سخت تحت تأثیر قرار می‌دهد، در ابیاتی این گونه ذکر می‌کند:

۱. أَمَا الْفَقِيرُ فَلَا تَسَلْ عَنْ حَالِهِ حَالٌ تَثِيرُ الْهَمَّ وَالْأَحْزَانَ

۲. أَمَا الْغَنِيُّ فَقَلْبُهُ وَ يَمِينُهُ لَا يَعْرِفَانِ الْعَطْفَ وَالْإِحْسَانَ

۱. اما فقیر و تهی دست از حالش نپرس برای اینکه او حال و حالتی دارد که حزن و اندوه را برمی‌انگیزد

۲. اما ثروتمند، قلب و دستش محبت و مهربانی و بخشش را نمی‌داند و درک نمی‌کند.

شاعر از فقر و محرومیت غمگین است و دلش به درد آمده و از مردم می‌خواهد که تهیدستان را از یاد نبرند و آن‌ها را زیر چتر حمایت خود قرار دهند و با آن‌ها با محبت و بخشش سخاوت رفتار کنند و از ثروتمندان تنگ‌نظر آزرده‌خاطر است که با وجود ثروت فراوانشان کم‌ترین احساس و عاطفه و بخشش ندارند. شاعر در شعری دیگر نابرابری و بی‌عدالتی را چنین مطرح می‌کند:

۱. يَا بَنِي الْفَاتِحِينَ إِنَّا بَعْمِرٌ لَا مُسَاوَاةَ فِيهِ، لَا مَدِينَةَ

۲. لَا إِخَاءَ كَمَا ادَّعَوْا، لَا حَقُوقٌ لِضَعِيفٍ عَانَ وَ لَا حُرِّيَّةٌ

۳. بَلْ بَعَصْرٍ فِيهِ الضَّعِيفُ مُهَانٌ فَالْنَّجَاةُ النَّجَاهُ بِالْمَشْرِقِيَّةِ

۱. ای فرزندان فاتحان زمین ما در روزگار و جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که در آن نه برابری وجود ندارد و نه تمدن.

۲. آن‌چنان که ادعا می‌کنند در آن روحیه برادری نیست و ضعیف رنجور نه حقوق دارد نه آزادی.

۳. بلکه در روزگاری هستیم که انسان ضعیف در آنجا خوار است و تنها راه نجات تمسک شدن به شرافت و عزت است.

این ابیات نابرابری، بی‌عدالتی و رعایت نکردن حقوق شهروندی در جامعه آن روز کویت را نشان می‌دهد جامعه‌ای را که حقوق مردم نادیده گرفته می‌شود و حق و حقوق مظلومان و محرومان پایمال می‌شود و همچنین سرزمینی که حق آزادی از مردم سلب شده است و جوی خفقان آمیز حکمفرماست. او کسی است که آرزوی برقراری عدالت در جامعه را داشت. وی تنها راه نجات و گریز از این نابسامانی‌ها را، تمسک جستن به عزت نفس و شرافت انسان می‌داند، فهد؛ غم و اندوه و مشکلات جامعه را حقیقتاً در وجود خود حس می‌کند.

پروین اعتصامی نابرابری‌های جور و ستم زمامداران و حکومت‌گران عصر خود را لمس کرده و با همه جوانی با شمشیر قلم و بیان در میدان نبرد، با قامتی استوار و قدم‌های متین ایستاده است (چاوش اکبری، ۱۳۷۸). او از انسان‌های مظلوم و ستم دیده دفاع می‌کند و به ظلم می‌تازد زیرا که پروین در کلمه انسان‌دوستی خلاصه می‌شود و بس. به دیگر سخن پروین نابرابری‌های وحشتناک را می‌شناخت و سیاهی آن‌ها را لمس می‌کرد. در مصیبت‌هایی آوار گشته بر وجود مردم غوطه‌ور می‌گشت تا مگر غریقی را نجات بخشد. چرا که خوب می‌دانست در تیره‌روزی‌های اجتماعی، قضا و قدر مسئول نیست و تنها عامل مؤثر، حکومت زر و زور نیست. (دهباشی، ۱۳۷۰: ۲۶۵-۲۶۴). پروین با مطالعه شاهکارهای ادبی اروپا

در مجله‌ی بهار و با تسلط بر زبان انگلیسی به منابع زیادی یافت و دید که شاهان در ادوار مختلف بزرگ‌ترین ستمی که روا داشته‌اند آن بوده که ثروت‌ها را به قهر تصاحب کرده و بر زبور خود افزوده‌اند. پروین به مظلومیت جهان بشریت می‌اندیشد و نژاد و کیش و ملیت و حتی زمان برای او مطرح نیست و هر فرد به هر زمان و هر کجا باشد برای او محترم و دفاع از او را بر خود واجب دانسته است.

پروین به‌عنوان یک منتقد اجتماعی در بیان انتقادهای خود زبان کنایه و غیرمستقیم را برمی‌گزیند و لذا از برخورد مستقیم با حاکمان و ظالمان عصر خود خودداری می‌کند.

شعر مناظره

در این شعر پروین به زیبایی تمام ((مناظره دو قطره خون)) را به زیبایی تمام به تصویر کشیده که هر یک به‌نوعی نماینده دو گروه و طبقه‌ی مختلف در جامعه هستند یکی قطره خونی که از دست تاجوری (نماد اغنیا و ثروتمندان در جامعه) چکیده و دیگری قطره خونی که از پای خارکنی (نماد فقرا و محرومان جامعه) چکیده است:

شنیده‌ای میان دو قطره خون چه گذشت	گه مناظره، یک روز بر سر گذری
یکی بگفت به آن دیگری، تو خون که‌ای	من افتاده‌ام از دست تاجوری
اما دو قطره‌ی کوچک چه کار خواهد ساخت	بیا شویم یکی قطره‌ی بزرگ‌تری
به راه سعی و عمل با هم اتفاق کنیم	که ایمنند چنین رهروان ز هر خطری

دیوان پروین، ۱۳۷۴: ۲۷۲»

خون خارکن در پاسخ می‌گوید:

بخنده گفت، میان من و تو فرقی بسی است	تو که زدست شهی، من ز پای کارگری
برای اتحاد و هم‌رهی با چو منی	خوش است اشک یتیمی و خون رنجبری
تو از فراغ دل عشرت آمدی به وجود	من از خمیدن پشتی و زحمت کم‌ری
یتیم و پیره‌زن این قدر خون دل نخوردند	اگر به خانه غارتگری فتد شرری
به حکم ناحق هر سفله، خلق را نکشند	اگر ز قتل پدر، پرسشی کند پسری

(دیوان پروین، ۱۳۸۴: ۲۷۲)

در این شعر پروین به این نکته اشاره می‌کند که تا مادامی که بین دو طبقه‌ی ظالم و مظلوم رابطه‌ی نابرابر و یک‌طرفه برقرار است، اتحاد بین دو طبقه ظالم و مظلوم امکان‌پذیر نیست. از طرف دیگر در پایان این شعر می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد که پروین تنها راه نجات رنجبران و مظلومان را قیام و انقلاب دانسته و به‌وضوح بیان کرده که برای قطع ریشه ظلم باید عملاً دست‌به‌کار شوند و ساکت نشینند و علیه ظلم به پا خیزند و صبر پیشه نکنند و از سرنوشت خود سؤال کنند و اسیر قضا و قدر نشوند.

فهد العسکر و پروین هر دو معتقد هستند تا زمانی که نابرابری در جامعه برقرار باشد، عدالتی در جامعه ایجاد نمی‌شود و هر دو شاعر طبقه مظلوم و ضعیف جامعه را به برقراری و ایجاد عدالت فرامی‌خواند که البته با روش‌های متفاوت که فهد با دعوت کردن مظلومان به ایجاد عزت‌نفس در خود و پروین با قیام و انقلاب کردن.

نتیجه‌گیری

فهد العسکر و پروین اعتصامی دو شاعر متعهد کویت و ایران که فهد العسکر در ابتدای شاعری بیشتر به مسائل مربوط به زندگی خود می‌پرداخت و توجه چندانی به وضع جامع خود نداشت ولیکن رفته‌رفته نسبت به مسائل جامعه خود توجه کرد اما پروین از همان ابتدا شاعری بود که به مسائل اجتماعی جامعه خویش توجه ویژه‌ای داشت از همین رو هر دو شاعر وظیفه خود می‌دانستند در برابر شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه خویش واکنش نشان دهند و منجر به توجه به مسائل اجتماعی از قبیل (نابرابری‌های اجتماعی، آزادی، توجه به جایگاه زنان) شد. تا در برابر ظلم و ستم‌های ناروا که در مورد مسائل گفته‌شده ایستادگی کنند و مردم را به قیام و انقلاب برای رسیدن به عدالت فراخوانند.



منابع

-قرآن کریم

- اعتصامی، ابوالفضل (۱۳۵۵). مجموعه مقالات و قطعات اشعار. تهران: ابوالفتح اعتصامی
- آژند، یعقوب (۱۳۶۳). ادبیات نوین ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی. تهران: امیرکبیر
- آوری، پیترا (۱۳۷۱). تاریخ معاصر ایران. محمد رفعی مهرآبادی، تهران: عطایی
- اعتصامی، پروین (۱۳۷). دیوان. به کوشش قادر شاسب. (بی جا)
- آرین پور، یحیی (۱۳۷۴). از نیما تا روزگار ما. تهران: زوار
- نیکوبخت، ناصر (۱۳۸۶). اندیشه‌های اجتماعی در شعر پروین. دانشگاه اراک.
- ناظر، سروش (۱۳۶۲). نگرش بر اشعار پروین اعتصامی. تهران: سروش
- نوری علا، پرتو (۱۳۸۳). پروین، فروغ، سیمین در سه مرحله، زنی با دامنی گل به کوشش علی دهباشی، تهران: نگاه
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۸). جویبار لحظه‌ها. تهران: جامی
- یزدانی، زینب (۱۳۷۸). زن در شعر فارسی. تهران: فردوس
- عیدان، عقیل یوسف (۲۰۱۳). معصیة فهد العسکر الوجودیة فی الوعي الكويتی. الطبعة الأولى. القاهرة: دارالعین للنشر
- کنفانی، عبدالاسلام (۱۳۸۲). ادبیات تطبیقی، ترجمه سید حسین سیدی، چاپ اول، مشهد: به نشر
- مهتدی، حسین (۱۳۹۸) واکاوی ماهیت درد و رنج در اشعار فهد العسکر، پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۲۲، صص ۲۱۷-۲۳۶

Comparison of Fahad al-Askar and Parvin Etesami's Approach to Social Issues

Abstract

Fahad al-Askar (1917 AD) and Parvin Etesami (1320-1285 AD) are among the poets who have turned social themes into poetry. Among the social themes in the poems of these two poets are social inequalities, desire for freedom, attention to the position of women. Cited. This research was written with a descriptive-analytical method and based on the French school with the aim of comparative analysis of social themes in the poetry of Fahad Al-Askar and Parvin Etesami. One of the differences in the issue of social inequalities is that Fahad calls the weak class to self-respect so that poverty will disappear, but Parvin calls the weak class to revolt and revolution to establish justice. Regarding the issue of women's freedom, two poets believe that women are trapped in a democratic society, and in the issue of freedom, Fahd has been compared to a slave who is unable to do anything, and Parvin has considered freedom as a

Keywords: Fahad al-Askar, Parveen Etesami, social issues.

